

فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت

شماره پیاپی ۶۲- دوره دوم ، شماره ۴۵- سال ۱۳۹۸

مقاله شماره ۲- صفحات ۲۳ تا ۳۵

ارتباط بین انگیزه تحصیلی و میزان پیشرفت در دانشجویان زبان

انگلیسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم

مژگان گایینی^۱

چکیده

هدف این پژوهش بررسی رابطه بین انگیزه تحصیلی و انگیزه پیشرفت دانشجویان زبان انگلیسی بوده است. جامعه پژوهش کلیه دانشجویان زبان انگلیسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم بودند. نمونه گیری به صورت تصادفی ساده صورت گرفت و تعداد ۲۰۰ نفر از دانشجویان دختر و پسر رشته زبان انگلیسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم انتخاب شدند. متغیرهایی که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته اند عبارتند از: ۱- متغیر مستقل انگیزه تحصیلی ۲- متغیر وابسته پیشرفت ۳- متغیرهای کیفی سن، جنسیت، وضعیت تاهل، سطح درآمد خانواده، و نوع زندگی. ابزار این پژوهش دو پرسشنامه بوده است: ۱- پرسشنامه ۲۹ گزینه ای انگیزه پیشرفت هرمنس ۲- پرسشنامه ۲۵ گزینه ای انگیزه مکمل و انگیزه ابزاری گاردنر (AMTB). روایی و پایایی این پرسشنامه ها از طریق آلفای کرونباخ مورد تأیید قرار گرفت. به منظور بررسی ارتباط میان دو متغیر انگیزه تحصیلی و پیشرفت معدل سه ترم متوالی دانشجویان نیز در نظر گرفته شدند. داده ها با استفاده از آمار توصیفی (میانگین، فراوانی، انحراف معیار) ضریب همبستگی پیرسون و آزمون t مستقل مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند و این نتایج به دست آمدند: بین هیچکدام از متغیرهای پژوهش رابطه معنا داری وجود نداشت. نتیجه حاصل از این پژوهش نشان داد که دانشجویان زبان انگلیسی از انگیزه تحصیلی بالایی برخوردار هستند اما برخلاف عقیده بسیاری از محققان که انگیزه بالا را باعث پیشرفت در امر تحصیل می دانند، پژوهش حاضر نشان داد که این انگیزه بالا منجر به پیشرفت تحصیلی نشده است. این تحقیق با واقع بینی بیشتری نسبت به وضعیت انگیزه تحصیلی دانشجویان زبان انگلیسی در ایران تفسیر روشن تری از مسائل مربوط به چالش های انگیزه ای ارائه می دهد. در انتها پیشنهادهایی برای معلمان و همچنین توصیه هایی برای تحقیق های آتی در این زمینه مطرح می شوند.

کلید واژه ها: انگیزه تحصیلی، انگیزه پیشرفت، انگیزه ابزاری، انگیزه مکمل، دانشجویان زبان انگلیسی.

^۱ عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد قم

مقدمه

معلمان و محققان بسیاری بر این باور هستند که "انگیزه" یکی از کلیدی ترین عوامل موثر بر سرعت و میزان پیشرفت فراگیری زبان دوم و یا بیگانه می باشد. بحث در مورد انگیزه تحصیلی در واقع موضوعی است در ارتباط با روانشناسی اجتماعی زیرا یادگیری زبان یک جامعه دیگر بدون در نظر گرفتن تمایلات اجتماعی فراگیران به سمت و سوی آن جامعه امکان پذیر نمی باشد. پیشرفت در فراگیری یک زبان بیگانه به دلیل ماهیت اجتماعی ایی که دارد با فراگیری دیگر موضوعات تفاوت دارد. زبان متعلق به کل وجود یک فرد است. زبان بخشی از هویت یک انسان است و مورد استفاده قرار می گیرد تا این هویت را به دیگران انتقال دهد. یادگیری یک زبان خارجی بسیار فراتر از صرفا یادگیری مهارت ها و یا یک سری قوانین و یا حتی دستور زبان و گرامر است. آن در واقع جایگزینی است برای خویشتن شناسی، قبول رفتارها و شیوه های جدید اجتماعی و فرهنگی و از این رو تاثیر فوق العاده ای بر طبیعت اجتماعی فراگیر دارد. همانطور که کروکال^۱ و آکسفورد^۲ (۱۹۸۸) به شایستگی بیان کرده اند، فراگیری یک زبان دوم نهایتا فراگیری یک شخصیت اجتماعی دیگر است. لمبرت^۳ (۱۹۶۳) یک مدل روانشناختی اجتماعی را پیشنهاد کرد که در آن بر عوامل شناختی ایی همچون استعداد و نبوغ همچنین عوامل تاثیر گذاری همانند گرایش و انگیزه تاکید کرد. او در طرح خود پیشنهاد کرد که میزان پیشرفت یک فرد در یادگیری زبان دوم به تمایلات نژاد پرستی، گرایش های وی به سمت جامعه دیگر، و جهت یابی به سوی یادگیری زبان و انگیزه بستگی دارد. گاردنر^۴ پیشگام دیگری در این زمینه انگیزه در یادگیری زبان دوم را به مقدار تلاش و کوشش که یک شخص برای یادگیری یک زبان می کند تا به آن احساس رضایتی که می خواسته و یا تمایلی که برای انجام این کار داشته برسد می گوید. به طور خاص انگیزه در تئوری گاردنر شامل سه بخش می شود: شدت انگیزه، تمایل یادگیری زبان و گرایش به سوی عمل فراگیری همچنین گاردنر می گوید: زبان ها با هر موضوع یادگیری دیگری در کلاس درس متفاوت می باشند زیرا آن ها در گیر الگو های رفتاری و مهارتی ایی هستند که در رابطه با ویژگی های یک اجتماع دیگر هستند. بنابراین طبق نظر گاردنر، پیشرفت در یادگیری یک زبان بیگانه تحت تاثیر گرایش هایی است که به سمت جامعه سخنگویان آن زبان می باشد.

گاردنر همچنین تمایزی میان انگیزه مکمل و انگیزه ابزاری قائل شده است. در واقع این دو جهت

¹ Crookal

² Oxford

³ Lambert

⁴ Gardner

گیری دلایل مطالعه زبان را مشخص می کنند. انگیزه مکمل زمانی اتفاق می افتد که فراگیر تمایل دارد تا با فرهنگ سخنگویان آن زبان ابراز هویت کند و انگیزه ابزاری با تشریح گروهی از عوامل که در ارتباط با برانگیخته شدن انگیزه ناشی از اهداف خارجی هستند ارتباط دارد. نظر به این که انگیزه در یادگیری تاثیر بسزایی دارد نویسندگان و محققان زیادی همچون دورنی^۱ و آکسفورد (۱۹۹۴)، آکسفورد و شیارین^۲ (۱۹۹۴)، کروکس^۳ و اشمیت^۴ (۱۹۹۱)، در زمینه انگیزه و ضد انگیزه تحقیقاتی انجام داده اند. در این میان گاردنر و ترمبلی^۵ (۱۹۹۴) قویا ادعا کرده اند که انگیزه در مقایسه با دیگر عوامل موثر در یادگیری یک روند پویایی است که می تواند دیگر عوامل را تحت پوشش قرار دهد.

پژوهش حاضر بر این است تا با بررسی میزان انگیزه تحصیلی دانشجویان زبان انگلیسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم رابطه آن را با پیشرفت در یادگیری زبان انگلیسی به عنوان یک زبان بیگانه بسنجد. در این رابطه انگیزه های مکمل و ابزاری این فراگیران نیز مورد سنجش قرار می گیرند. علاوه بر این در انتهای پژوهش بر طبق یافته های بدست آمده پیشنهادهای پیرامون بهینه سازی و تغییرات در رابطه با شیوه تدریس معلمان و نحوه برخورد آن ها با فراگیران در کلاس و محتوای درسی ارائه خواهند شد.

هدف تحقیق

هدف کلی این پژوهش در واقع بررسی اثر بخشی وجود انگیزه های لازم در میزان یادگیری دانشجویان و در نتیجه پیشرفت آن هاست.

در این زمینه اهداف فرئی زیر نیز مورد بررسی قرار می گیرند:

۱. بررسی رابطه میان انگیزه و جنسیت
۲. بررسی رابطه میان انگیزه و سن
۳. بررسی رابطه میان انگیزه و وضعیت تاهل
۴. بررسی رابطه میان انگیزه و سطح درآمد خانواده
۵. بررسی میان انگیزه و نوع زندگی

سوالات تحقیق

- ۱) آیا بین پیشرفت تحصیلی و انگیزه پیشرفت رابطه وجود دارد؟
- ۲) آیا بین پیشرفت تحصیلی و انگیزه مکمل رابطه وجود دارد؟

¹ Dornyei

² Shearin

³ Crookes

⁴ Schmidt

⁵ Trembly

- ۳) آیا بین پیشرفت تحصیلی و انگیزه ابزاری رابطه وجود دارد؟
- ۴) آیا بین انگیزه پیشرفت دختران و پسران تفاوت معنا داری وجود دارد؟
- ۵) آیا بین انگیزه مکمل دختران و پسران تفاوت معناداری وجود دارد؟
- ۶) آیا بین انگیزه ابزاری دختران و پسران تفاوت معنا داری وجود دارد؟

فرضیه های تحقیق

فرض این پژوهش بر این است که چنانچه دانشجویان زبان انگلیسی تحت تاثیر انگیزه های ابزاری و مکمل قرار گیرند به هدف متعال خود که همان پیشرفت در امر یادگیری زبان انگلیسی به عنوان زبان دوم است نائل خواهند شد.

کلیات روش تحقیق و تعریف متغیرهای اساسی

جهت تدوین مطالب نظری و مفاهیم اساسی موضوع تحقیق از پژوهش کتابخانه ای استفاده شده است. روش تحقیق در این مطالعه از نظر هدف بنیادی روش جمع آوری اطلاعات با استفاده از روش آماری توصیفی (میانگین ، فراوانی ، انحراف معیار) ضریب همبستگی پیرسون و آزمون t مستقل می باشد. برای گردآوری داده ها از پرسشنامه انگیزه پیشرفت هرمنس که حاوی بیست و نه سوال بوده، استفاده گردیده است. سوالات پرسشنامه به صورت جمله ناتمام بیان شده اند و به دنبال هر جمله چند گزینه داده شده است. جهت یکسان سازی ارزش سئوالات برای هر بیست و نه سوال پرسشنامه ، چهار گزینه نوشته شده است. این گزینه ها به حسب اینکه شدت انگیزه پیشرفت از زیاد به کم یا کم به زیاد باشد به آن ها نمره داده شده است. برای سنجش انگیزه ابزاری و انگیزه مکمل فراگیران ، از پرسشنامه گاردنر (AMTB) استفاده شده است. این پرسش نامه پنج گزینه ای که بر طبق پرسشنامه هفت گزینه ایی اولیه گاردنر و کلمنت طراحی شده است شامل بیست و پنج جمله است که با توجه به مقیاس لیکرت از گزینه اول کاملاً مخالف به گزینه پنجم کاملاً موافق طبقه بندی شده است. این نمونه گیری به گونه ای برنامه ریزی گردیده که ۲۰۰ پاسخ دهنده در آن شرکت نمایند. پس از جمع آوری داده ها ، محقق فایلی از خلاصه داده های جمع آوری شده تهیه و جهت انجام تحلیل های آماری مورد نیاز آنها را وارد برنامه اس پی اس اس SPSS نموده است. در این پژوهش که از روش همبستگی استفاده شده است ، دو متغیر انگیزه و پیشرفت مورد بررسی قرار می گیرند. در اینجا فرض بر این است که رابطه علی وجود دارد یعنی متغیر اول (علت) که همان انگیزه باشد به متغیر دوم (معلول) که همان پیشرفت است منجر خواهد شد . در این زمینه متغیر های کیفی زیر نیز در مورد دانشجویان

زبان انگلیسی مورد بررسی قرار خواهند گرفت: جنسیت، سن، وضعیت تاهل، سطح درآمد خانواده، نوع زندگی .

قلمرو تحقیق

قلمرو تحقیق از لحاظ موضوع، زمان و مکان مطالعه به شرح زیر خلاصه می گردد:

قلمرو موضوعی: موضوع این تحقیق، بررسی ارتباط بین انگیزه تحصیلی و میزان پیشرفت در دانشجویان زبان انگلیسی دانشگاه آزاد واحد قم می باشد. به همین دلیل جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانشجویان زبان انگلیسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم اعم از دختر و پسر با گرایش های متفاوت می باشد. تعداد کل دانشجویان ۱۲۰۰ نفر است که تعداد ۲۰۰ نفر از دو گرایش ادبیات و مترجمی ورودی سالهای ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶ با روش نمونه گیری تصادفی انتخاب شدند.

قلمرو زمانی: این تحقیق از اردیبهشت سال ۱۳۸۸ آغاز و در اردیبهشت ۱۳۸۹ خاتمه یافته است. نظرسنجی این مطالعه طی مدت یک ماه در آذر ماه انجام گردیده است.

قلمرو مکانی: با توجه به موضوع تحقیق و جهت دسترسی به نمونه های مورد بررسی، نظرسنجی این تحقیق در دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم صورت گرفته است.

روش نمونه گیری

نمونه گیری در این تحقیق با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی ساده از دانشجویان زبان انگلیسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم صورت گرفته است. روایی^۱ و پایایی^۲ ابزار سنجش از آنجاییکه آلفای کرونباخ معمولاً شاخص کاملاً مناسبی برای سنجش قابلیت اعتماد ابزار اندازه گیری و هماهنگی درونی میان عناصر آن است از ضریب آلفای کرونباخ برای تعیین پایایی پرسشنامه ها استفاده شد. و با بهره گیری از آزمون آلفای کرونباخ، اعتبار کل پرسشنامه ها در جدول زیر تعیین شد .

جدول آلفای کرونباخ پرسشنامه ها

پرسشنامه	تعداد سوالات	آلفای کرونباخ
آزمون گاردنر برای انگیزه مکمل	۱۲	۰/۷۶
آزمون گاردنر برای انگیزه ابزاری	۱۳	۰/۶۹
آزمون انگیزه پیشرفت هرمنس	۲۹	۰/۵۱

^۱ - Validity

^۲ - Stability - Reliability

همان طور که ملاحظه می شود مقادیر آلفای کرومباخ نشان دهنده پایایی و قابلیت اتکای مقیاس های مورد استفاده در پرسشنامه نظر سنجی می باشد .

روش تحلیل داده های آماری

در این تحقیق پس از جمع آوری پرسشنامه ها ، نسبت به ورود داده ها در رایانه اقدام شد. داده های بدست آمده با استفاده از روش آماری توصیفی (میانگین فراوانی انحراف معیار) ضریب همبستگی پیرسون و آزمون t مستقل با نرم افزار اس پی اس اس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

ویژگی های نمونه

همانطور که در جدول شماره ۱، مشاهده می شود تعداد دختران ۱۵۰ نفر (۷۵ درصد) و تعداد پسران ۵۰ نفر (۲۵ درصد) می باشد.

جدول شماره ۱، تعداد دختران و پسران

جنسیت	فراوانی	درصد
دختر	۱۵۰	۷۵
پسر	۵۰	۲۵

در جدول شماره ۲، میانگین و انحراف معیار سن کل آزمودنی ها نشان داده شده است. پایین ترین سن ۲۰ سال و بالاترین سن ۵۴ سال، بیشترین فراوانی مربوط به گروه سنی ۲۶-۲۰ سالگی می باشد که در نمودار نیز مشاهده می شود.

جدول شماره ۲، میانگین و انحراف معیار سن دانشجویان

گروه سنی	فراوانی	درصد	میانگین	انحراف معیار
۲۰-۲۶	۱۶۲	۸۱	۲۴/۳۴	۴/۰۴
۲۷-۳۵	۳۵	۱۷/۵۰		

ارتباط بین انگیزه تحصیلی و میزان .../29

		۱/۵۰	۳	۳۶-۵۴
--	--	------	---	-------

در جدول شماره ۳، فراوانی و درصد وضعیت تاهل کل دانشجویان نشان داده شده است. بیشتر

دانشجویان در گروه مجرد قرار دارد.

جدول شماره ۳، فراوانی و درصد وضعیت تاهل آزمودنی ها

وضعیت تاهل	فراوانی	درصد
مجرد	۱۳۵	۶۷/۵۰
متاهل	۶۲	۳۱
مطلقه	۳	۱/۵۰

در جدول شماره ۴، سطح درآمد خانواده آزمودنی ها در چهار سطح ضعیف، متوسط، خوب، عالی مورد بررسی

قرار گرفته است. همانگونه که در جدول مشاهده می شود بیشتر دانشجویان سطح درآمد خانواده در حد متوسط

و خوب می باشد.

جدول شماره ۴، سطح درآمد خانواده آزمودنی ها

سطح درآمد خانواده	فراوانی	درصد
ضعیف	۳	۱/۵۰
متوسط	۹۳	۴۶/۵۰
خوب	۹۸	۴۹
عالی	۶	۳

در جدول شماره ۵، نوع زندگی کل آزمودنی ها که در پنج سطح می باشد نشان داده شده است.

جدول شماره ۵، نوع زندگی آزمودنی ها

نوع زندگی	فراوانی	درصد
با خانواده	۱۳۳	۶۶/۵۰
با همسر	۵۵	۲۷/۵۰
با پدر	۱	۰/۵
با مادر	۹	۴/۵

تنها	۲	۱
------	---	---

بررسی سوال های (فرضیه) پژوهش

آیا بین پیشرفت تحصیلی و انگیزه پیشرفت رابطه وجود دارد؟

انگیزه پیشرفت	جدول شماره ۶	
-۰/۰۲۳	ضریب همبستگی پیرسون	پیشرفت تحصیلی
۰/۷۴	سطح معناداری	

همانطور که در جدول شماره ۶، مشاهده می شود میان پیشرفت تحصیلی و انگیزه پیشرفت در سطح

معناداری $\alpha=۰/۰۵$ از نظر آماری همبستگی معناداری (-۰/۰۲۳) وجود ندارد ($P>۰/۰۵$).

۲- آیا بین پیشرفت تحصیلی و انگیزه مکمل رابطه وجود دارد؟

انگیزه مکمل	جدول شماره ۷	
-۰/۰۰۶	ضریب همبستگی پیرسون	پیشرفت تحصیلی
۰/۹۲	سطح معناداری	

همانطور که در جدول شماره ۷، مشاهده می شود میان پیشرفت تحصیلی و انگیزه مکمل در سطح معناداری

$\alpha=۰/۰۵$ از نظر آماری همبستگی معناداری (-۰/۰۰۶) وجود ندارد ($P>۰/۰۵$).

۳- آیا بین پیشرفت تحصیلی و انگیزه ابزاری رابطه وجود دارد؟

انگیزه ابزاری	جدول شماره ۸	
۰/۰۵۸	ضریب همبستگی پیرسون	پیشرفت تحصیلی
۰/۴۱	سطح معناداری	

همانطور که در جدول شماره ۸، مشاهده می شود میان پیشرفت تحصیلی و انگیزه ابزاری در سطح معناداری $\alpha=0/05$ از نظر آماری همبستگی معناداری (۰/۰۵۸) وجود ندارد ($P>0/05$).

۴- آیا بین انگیزه پیشرفت دختران و پسران تفاوت معناداری وجود دارد؟

جدول شماره ۹، مقایسه میانگین نمرات انگیزه پیشرفت دختران و پسران

t	سطح معناداری	درجه آزادی	انحراف معیار	میانگین	
۰/۰۶	۰/۹۹۵	۱۹۸	۶/۲	۸۵/۳۶	دختران
			۶/۷	۸۰/۳۰	پسران

با توجه به t محاسبه شده (۰/۰۶) و مقایسه آن با t بدست آمده از جدول (۱/۱۹۶) در سطح $\alpha=0/05$ و درجه آزادی (d.f = ۱۹۸) کوچکتر است، تفاوت موجود میان دو گروه در انگیزه پیشرفت از لحاظ آماری معنی دار نمی باشد. به عبارتی بین انگیزه پیشرفت دختران و پسران تفاوتی وجود ندارد.

۵- آیا بین انگیزه مکمل دختران و پسران تفاوت معناداری وجود دارد؟

جدول شماره ۱۰، مقایسه میانگین نمرات انگیزه مکمل دختران و پسران

t	سطح معناداری	درجه آزادی	انحراف معیار	میانگین	
۰/۲۵	۰/۸۰۱	۱۹۸	۶/۶۲	۴۳/۳۵	دختران
			۶/۰۲	۴۳/۶۰	پسران

با توجه به t محاسبه شده (۰/۲۵) و مقایسه آن با t بدست آمده از جدول (۱/۱۹۶) در سطح $\alpha=0/05$ و درجه

آزادی ($d.f = 198$) کوچکتر است، تفاوت موجود میان دو گروه در انگیزه مکمل از لحاظ آماری معنی دار نمی باشد. به عبارتی بین انگیزه مکمل دختران و پسران تفاوتی وجود ندارد.

۶- آیا بین انگیزه ابزاری دختران و پسران تفاوت معناداری وجود دارد؟

جدول شماره ۱۱، مقایسه میانگین نمرات انگیزه ابزاری دختران و پسران

ت	سطح معناداری	درجه آزادی	انحراف معیار	میانگین	
۱/۶۳	۰/۱۰۳	۱۹۸	۶/۹۲	۵۱/۲۴	دختران
			۷/۰۳	۴۹/۳۴	پسران

با توجه به t محاسبه شده ($1/63$) و مقایسه آن با t بدست آمده از جدول ($1/96$) در سطح $\alpha=0/05$ و درجه آزادی ($d.f = 198$) کوچکتر است، تفاوت موجود میان دو گروه در انگیزه ابزاری از لحاظ آماری معنی دار نمی باشد. به عبارتی بین انگیزه ابزاری دختران و پسران تفاوتی وجود ندارد.

تفسیر یافته ها و نتایج

نتایج حاصل از بررسی های به عمل آمده در این پژوهش بیانگر این مطلب است که میان انگیزه پیشرفت و پیشرفت تحصیلی از نظر آماری، همبستگی معناداری وجود ندارد. همچنین تفاوت های موجود در بین دانشجویان زبان انگلیسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم به تناسب جنسیت - سن - وضعیت تاهل - سطح درآمد خانواده - و نوع زندگی آنها قابل ملاحظه نبوده است. در واقع بررسی انگیزه پیشرفت دلالت بر این مسئله دارد که دانشجویان دارای انگیزه پیشرفت بالایی هستند ولی این انگیزه پیشرفت در حین یادگیری زبان دوم تغییر جهت داده و به پیشرفت تحصیلی منجر نشده است. در نتیجه طبق داده های بدست آمده و تفسیر نتایج، فرضیه پژوهش مورد تأیید قرار نمی گیرد و رد می شود. همچنین بررسی میانگین معدل سه ترم متوالی (ترم ۲، ترم ۳، ترم ۴) این دانشجویان ثابت می کند که با وجود انگیزه بالای پیشرفت، آن ها در تحصیلاتشان پیشرفتی ندارند. پس چنین می توان جمع بندی کرد که این انگیزه بالای پیشرفت در طی یادگیری به انگیزه های جایگزینی که در ارتباط مستقیمی با خود تحصیلات نیستند مبدل شده اند. شاید بتوان گفت که مسئله انگیزه پیشرفت به مسئله ضد انگیزش به عنوان کاهنده فرایند یادگیری در خلال یادگیری تبدیل شده است.

محققانی همچون آکسفورد (۱۹۹۸)، چمبرز (۱۹۹۳)، یوشیودا (۱۹۹۸)، و دورنی (۱۹۹۸) از جمله کسانی هستند که مطالعاتی در زمینه ارتباط بین ضد انگیزه و فراگیری زبان داشته اند. طبق مطالعات انجام شده در این زمینه عوامل متعددی همچون تحقیر اجتماعی، دلسردی و ناامیدی ناشی از نتیجه امتحان و یا حتی تنش با رفقا و رغبا باعث از بین رفتن انگیزه یادگیری و در نتیجه کاهش پیشرفت می شوند. در واقع مشخصه ضد انگیزه در روند فراگیری "شکست" نهفته است بدین معنا که فراگیر در یادگیری یک زبان خارجی و پیشرفت تحصیلی اش با شکست روبرو می شود.

در یک دید کلی می توان گفت فراگیری که با مسئله ضد انگیزه روبرو شده است کسی است که انگیزه لازم برای پیشرفت را دارا بوده اما بنا بر دلایلی این انگیزه تغییر جهت داده و او علاقه خود را در امر پیشرفت تحصیلی از دست داده است. از این رو می توان ضد انگیزه را به عنوان نقطه مقابل انگیزه دانست. در حالیکه یک انگیزه باعث افزایش تمایل برای انجام کاری می شود، ضد انگیزه باعث کاهش آن می شود. ربکا آکسفورد (۱۹۹۸) در یک تحقیق پنج ساله، به تجزیه و تحلیل مسئله ضد انگیزه پرداخته است. او که اساس کار خود را بر تنش میان استاد و دانشجو و احساس ناراحتی و نا امنی در کلاس درس قرار داده به چهار موضوع کلی رسیده است:

- ارتباط شخصی و خصوصی معلم با فراگیران شامل: انتقاد سخت و موشکافانه، کج خلقی، تبعیض قائل شدن
- نگرش معلم نسبت به آن درس شامل: عدم اشتیاق، مدیریت نامنظم و نامرتب، فکر و دید محدود و بسته
- ناسازگاری میان شیوه تدریس معلم و برخورد فراگیران شامل: تضاد در میزان ساختار یا جزئیات و کشمکش در مورد میزان جدی بودن کلاس
- خصلت و ویژگی فعالیت های کلاسی شامل: بیش از حد پر بار کردن، تکرار مکررات، و نا مرتبط بودن مطالب

فرضیه اساسی در مطالعات گری چمبرز (۱۹۹۳) بر اساس رفتار فراگیرانی است که کاملاً توانایی یادگیری را دارند اما تمایلی برای یادگیری یک زبان خارجی ندارند و مطمئن هستند که معلم از این نکته کاملاً با اطلاع است. چمبرز به منظور آگاهی از افکار این فراگیران تحقیقی انجام داده است که در آن ویژگی های فراگیران بی انگیزه اینچنین مطرح می شود که آنها:

¹ Chambers

² Ushioda

- هیچ کوششی در زمینه یادگیری انجام نمی دهند، علاقه ای نشان نمی دهند و تمرکز کمی دارند؛ تکالیف را یا بصورت ناقص انجام می دهند و یا اصلا انجام نمی دهند.
 - توانایی های خود را باور ندارند.
 - تمایلی برای همکاری با دیگران از خود نشان نمی دهد و حواس دیگران را با رفتارهای ناخوشایند بر هم می زند.
- البته طبق این تحقیق معلمان عوامل متعددی همچون مسائل اجتماعی، تاریخی، جغرافیایی، و حتی روانی را مسبب چنین برخوردهایی می دانند اما بسیاری از فراگیرها اذعان دارند که آن ها از یادگیری زبان در کلاس لذت نمی برند زیرا مدرسانشان رادر زمینه های زیر مقصر می دانند:
- تدریس پشت سر هم بدون اینکه معلم متوجه باشد که حتی یک نفر هم چیزی یاد نگرفته
 - عدم ارائه مطالب به صورت واضح و کافی
 - استفاده از تجهیزات پست و نامرغوب
 - عدم شرح توضیحات لازم
 - بد برخورد کردن با فراگیرها زمانی که آن ها مطلبی را متوجه نمی شوند
 - استفاده از شیوه های کهنه تدریس
- دورنی (۱۹۹۸) که بر روی عملکرد فراگیرهایی که بی انگیزه شده اند تمرکز کرده علاوه بر مسائل ذکر شده عوامل بی انگیزگی زیر را نیز حائز اهمیت می داند:
- معلم (شخصیت، تعهد، صلاحیت، شیوه تدریس)
 - امکانات نامناسب تدریس (بزرگ بودن گروه فراگیرها یا هم سطح نبودن آن ها، تعویض مکرر معلمین)
 - کاهش اعتماد به نفس (تجربه شکست یا عدم موفقیت)
 - نگرش منفی نسبت به موضوع یادگیری (زبان خارجی)
 - اجبار در یادگیری زبان خارجی مورد نظر
 - دخالت زبان دیگر در حین یادگیری این زبان
 - نگرش های اعضای گروه
 - کتاب مورد علاقه
- بنابراین چنین می شود نتیجه گیری کرد که عوامل متعددی بر انگیزه فراگیران تاثیر گذار هستند که در میان آن ها نقش معلمان از جایگاه ویژه ای برخوردار است. معلمان موثر الزاما آن هایی نیستند که

اطلاعات شناختی را با موفقیت انتقال می دهند بلکه اثر مثبت معلم خوب شامل تعهد محکم وی نسبت به موضوع است که در فراگیر رغبتی را ایجاد می کند تا به دنبال دانش برود و آن را بیاموزد (چیکس زنتمی هالی ۱۹۹۷).

بحث و نتیجه گیری

به طور خلاصه نتایج حاصل از تحلیل داده ها نشان داده است که بر خلاف فرض اولیه پژوهش که چنانچه دانشجویان زبان انگلیسی تحت تاثیر انگیزه های ابزاری و مکمل قرار گیرند به هدف نهایی خود که همان پیشرفت در امر یادگیری است می رسند، چنین فرضی به اثبات نرسید و بر عکس ثابت شد که فراگیران دارای انگیزه بالایی هستند اما این انگیزه تاثیری بر پیشرفت تحصیلی آن ها نداشته است. عوامل متعددی می توانند بر این تغییر جهت انگیزه تاثیر داشته باشند که پژوهش های دیگری را می طلبد تا مسئله را ریشه یابی کنند.

Atkinson, E. Stephanie. (1999). "Key Factors Influencing Pupil Motivation in Design and Technology". **Journal of Technology Education**, 10 (2)

Brophy, J. E. **Teacher's expectations, motives, and goals for working with problem students**. Ames, C. and Ames, D. (eds), Orlando: Academic Press.

Covington, M. V. (1984). "The self-worth theory of achievement motivation: Findings and implications". **The Elementary School Journal**, 85.

Cskszentmihalyi, M. (1997). **Intrinsic motivation and effective teaching: A Flow Analysis**. Bes, J. L. (ed). Baltimore: Hopkins University Press.

Culhane, S. F. (2001) **Intercultural contact in a study- Abroad SLA setting . PhD thesis**. University of British Columbia, Vancouver. Canada.

Dornyei, Zoltan. (2001) **Teaching and researching motivation. England**: Pearson Education Limited.

Doughty, Catherine, J, and Michael, H. Long. (2005). **The Handbook of Second Language Acquisition**. Oxford: Blackwell Publishing.

Iliescu, Andreea. **Second language acquisition within sociocultural framework**. University of Craiova.

Social Psychology and Second Language Learning: **The role of attitude and motivation**. (1985). London: Edward Arnold Publishing

¹ Cskszentmihalyi